پرونده

در گفت‌وگوی «شرق» با جلال جلالی‌زاده عنوان شد

کارنامه حکومت یک‌ساله طالبان به‌هیچ‌وجه قابل دفاع نیست

فضای سیاسی، اجتماعی و امنیتی افغانستان در یک سالی که از احیای حکومت طالبان می‌گذرد، نشان می‌دهد ایران اهدافی دیگر را در حمایت و کمک به این جریان (طالبان) برای رسیدن به قدرت تعریف کرده بود؛ چون وضعیت کنونی برای همه قابل پیش‌بینی بود. هرچند به نظر می‌رسد مقامات ایران ضمن حمایت ضمنی از طالبان، همواره بر تشکیل حکومتی فراگیر نیز اصرار داشته‌اند، اما در مقام وزن‌دهی به این دو مسئله، احیای حکومت طالبان برای تهران به‌مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. حال باید پرسید اهدافی که سبب شد ایران دست به حمایت غیرمستقیم و پرحاشیه از طالبان بزند، چه بودند؟ از همه مهم‌تر آیا آن دلایل توجیه‌کننده وضعیت کنونی در مناسبات تهران-کابل هست یا خیر؟ چراکه بسیاری معتقدند با بررسی کارنامه یک‌ساله حکومت طالبان نمی‌توان جواب مثبتی برای این دو سؤال یافت. بنابراین باید دید برخی از شخصیت‌ها و افرادی که سال گذشته و در ایامی که زمزمه بازگشت طالبان به قدرت مطرح بود، نگاهی تطهیری به این جریان داشتند، اکنون چگونه فکر می‌کنند؟ از این‌رو «شرق» به گفت‌وگویی با جلال جلالی‌زاده نشسته است تا ارزیابی مجدد نماینده مجلس ششم و عضو حزب اتحاد ملت را درباره تحولات جاری افغانستان و مناسبات تهران-کابل در سایه حکومت یک‌ساله طالبان جویا شود.

◆ شما از آن دست شخصیت‌های سیاسی بودید که مرداد سال گذشته و در آستانه رسیدن طالبان به قدرت، از احیای حکومت طالبانی دفاع کردید. اکنون با ارزیابی کارنامه یک‌ساله حکومت طالبان، کماکان از آن نگاه خود دفاع می‌کنید؟

من به‌هیچ‌وجه نه یک کلمه درباره حمایت از حکومت طالبان نوشته‌ام و نه گفته‌ام.

◆ یعنی منکر مواضع خود در حمایت از طالبان در سال گذشته می‌شوید؟

شما اصرار دارید این مسائل را به من بچسبانید، اما باز هم تکرار می‌کنم من هیچ‌گاه دفاع و حمایتی از طالبان نداشته‌ام. آنچه من در بحبوحه تحولات افغانستان در مرداد سال گذشته عنوان کردم، تأکید بر این نکته بود که دولت اشرف غنی و دیگر جریان‌های سیاسی در افغانستان، عملا کارکرد، توان و نفوذ خود را از دست داده‌اند و به دلیل نداشتن پشتوانه جدی در جامعه افغانستان، شرایطی رقم زده شد که طالبان توانست در یک حرکت سریع و شتابان، قدرت را در دست بگیرد. اگر شما به مجموعه تحولات در روزها و هفته‌های منتهی به ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ (سقوط کابل و فروپاشی جمهوری در افغانستان) نگاه کنید، به روشنی می‌توان ملاحظه کرد که طالبان توانست در کمترین زمان ممکن، ایالت‌ها و ولسوالی‌ها را یکی پس از دیگری تصرف کرده و در نهایت کابل را اشغال کند. این نکته مبین آن است که جامعه افغانستان اساسا حمایتی از دولت اشرف غنی و جریان‌های مقابل با طالبان نداشت و این جریان طالبان بود که از حمایت مردمی برخوردار بود که در نهایت به احیای حکومت طالبان منجر شد. ضمنا آنچه من درخصوص تحولات مرداد سال گذشته افغانستان نوشتم، به این مسئله مهم نیز اشاره دارد که طالبان یک واقعیت انکارنشدنی در عرصه تحولات افغانستان است؛ یعنی هیچ جریانی، هیچ تفکر سیاسی و هیچ نیرویی نمی‌تواند طالبان را از صحنه تحولات افغانستان پاک کند. کماینکه ایالات متحده آمریکا که بزرگ‌ترین ارتش دنیا را در اختیار دارد، نتوانست طی دو دهه تجاوز و حضور در افغانستان، طالبان را کنار بگذارد و نهایتا دولت سابق دونالد ترامپ سر میز مذاکره در دوحه قطر متعهد به خروج از افغانستان و حتی به‌رسمیت‌شناختن طالبان شد. پس نکات من به معنای تأیید طالبان نیست، بلکه به این معناست که ما نمی‌توانیم طالبان را به‌عنوان یک حقیقت خوب یا بد و یک واقعیت انکارنشدنی از تحولات سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... افغانستان پاک کنیم.

◆ ولی طالبان با این شیوه جایگاهی در جامعه افغانستان دارد؟

اگر طالبان جایگاهی در جامعه افغانستان نداشت، موفق به شکست دولت اشرف غنی و احیای حکومت خود نمی‌شد. حال اینکه دولت رئیس‌جمهور سابق افغانستان و ارتش این کشور در یک معامله سیاسی بین زلمای خلیل‌زاد و آمریکایی‌ها با طالبان دور زده شدند یا خود اشرف غنی واقعا تمایلی به تقابل با طالبان نداشت یا اینکه توانی برای این کار وجود نداشت، جای بحث، بررسی و تأمل فراوان دارد، اما در نهایت ما شاهد به قدرت رسیدن مجدد طالبان بودیم. اگر طالبان جایگاهی در جامعه افغانستان نداشت، موفق به این مسئله نمی‌شد. باز هم تکرار می‌کنم این نکاتی که عنوان داشتم به معنای تأیید و حمایت حکومت طالبان نیست، چراکه علی‌رغم اصرار و تاکیدات فراوان در یک سال گذشته طالبان از تشکیل یک دولت قانونی، دموکراتیک، فراگیر و همه‌شمول خودداری کرده است.

◆ روی همین نکته تمرکز کنیم. شما چه برداشت و قرائتی از خوانش سیاسی طالبان درخصوص حکومت‌داری و امتناع از پذیرش دموکراسی و صندوق رأی دارید؟ آیا این مسئله به واقع برگرفته از تعالیم مذهبی است؟

به هیچ عنوان چنین نیست. اصلاً در دین اسلام مبنا و متدولوژی این‌چنین برای تعیین حکومت وجود ندارد. در قرآن تنها به مسئله تشکیل شوراها اشاره شده است. بعد از دوران پیامبر اسلام نیز هیچ‌گاه مسئله خلافت با مبنا و خوانش طالبانی وجود نداشته است. یعنی جامعه برخی افراد را به عنوان خلیفه و امیرالمؤمنین قبول می‌کردند. بنابراین ادعاها و توجیهات طالبان در یک سال گذشته برای شانه خالی‌کردن از تشکیل حکومتی فراگیر، دموکراتیک برخاسته از خواست مردم و از دل صندوق رأی، نه تنها یک خوانش دینی ندارد، بلکه در مقابل تعامل تعالیم دین اسلام و پیامبر قرار می‌گیرد. در ضمن باید این نکته را هم در نظر داشت که اقتضائات جامعه کنونی متفاوت از دوران گذشته است. جامعه حال حاضر اقتضا می‌کند به سمت دموکراسی و تشکیل حکومتی برخاسته از رأی و نگاه مردم برود. این مسئله تنها مختص به افغانستان نیست، بلکه در همه کشورها باید دموکراسی و گفتمان دموکراسی‌خواهی به شکل جدی نهادینه شود. این نوع حکومت‌داری با روح و تعالیم اسلام بیشتر همخوانی دارد. در پاسخ روشن‌تر به سؤال شما من اعتقاد دارم مشکل اساسی جامعه افغانستان چیز دیگری است که سبب شده است فضای لازم برای سوءاستفاده طالبان با هدف عدم تشکیل حکومت فراگیر و دموکراتیک به وجود آید.

◆ آن مشکل چیست؟

مشکل اساسی جامعه افغانستان آن است که هنوز نتوانسته است به رغم حدود دو دهه حکومت‌داری به شیوه‌ای تقریبا دموکراتیک و برخاسته از صندوق رأی از جامعه سنتی عبور کند. یعنی هنوز هم با وجود برگزاری چند دوره انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری شاهد یک سیستم قومی و مذهبی در افغانستان هستیم که همه انتخابات، چه در مجلس و چه ریاست‌جمهوری را تحت تأثیر قرار داده بود. نوعی نگاه چندقطبی پشتون، هزاره، تاجیک و... نشئت‌گرفته از برداشت‌های قومی و همچنین دوقطبی مذهبی شیعه و سنی بر همه شئون سایه انداخته است. تا زمانی که این شیوه در جامعه افغانستان با قوت ادامه داشته باشد و این کشور از این دوره سنتی گذار نکند حتی اگر طالبان به سمت حکومت دموکراتیک پیش برود، افغانستان نمی‌تواند گفتمان دموکراسی‌خواهی را نهادینه کند. کما اینکه دیدیم مجلس، ریاست‌جمهوری و دیگر نهادهای سیاسی که به واسطه دموکراسی شکننده در افغانستان شکل گرفته بودند نهایتا نتوانستند خواسته‌ها، انتظارات و مشکلات مردم این کشور را برطرف کنند و همین مسئله سبب شد که جمهوری افغانستان در ۱۵ آگوست سال گذشته به دست طالبان سقوط کند. البته با توجه به نکاتی که عنوان داشتم به نظر من سقوط جمهوری در افغانستان در مرداد ماه سال گذشته پیش از آنکه توسط طالبان رقم بخورد به دست خود جریانی رقم خورد که از دل این دموکراسی شکننده بیرون آمده بود.

◆ چطور؟

چون جامعه سنتی نشئت‌گرفته از خوانش قومی و مذهبی در افغانستان در یک چرخه محدود شبه‌دموکراتیک تنها سبب به قدرت رسیدن چند فرد خاص شد که آنها هم در یک فساد سیاسی و مالی تنها به فکر منافع خود بودند. همین مسئله موجب شد که جامعه افغانستان هیچ‌گونه دفاع و حمایتی برای تداوم حیات جمهوری در افغانستان نداشته باشد. لذا طالبان با کمترین انرژی و در یک حرکت شتابان و سریع توانست ارتش افغانستان و دولت اشرف غنی را شکست بدهد و حکومت دوم خود را بنا نهد.

◆ با این اوصاف چگونه حمایت، تطهیر و تلاش ایران برای به قدرت رسیدن طالبان قابل توجیه است؟

دوباره باید این نکته را تکرار کنم که طالبان یک واقعیت غیر قابل انکار در صحنه تحولات افغانستان است؛ این جدای از آن است که طالبان چه برداشت دموکراتیک یا غیردموکراتیکی از دولت، حکومت داری و خواست مردم دارد و یا اینکه در یک سال گذشته چه کارنامه اسفباری در ایجاد محدودیت‌های جدی برای تحصیل زنان، فعالیت رسانه‌ها، آموزش عالی افغانستان، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در این کشور و... ایجاد کرده است. در این راستا من این ارزیابی را دارم که جمهوری اسلامی ایران با هدف تقابل با ایالات متحده آمریکا در افغانستان سعی در حمایت از طالبان داشت. نکته مهم دیگری که نباید فراموش کرد این است که رفتار دولت اشرف غنی در قبال ایران به خصوص در سال‌های پایانی دولت اولش و همچنین دولت دومش که نیمه‌کاره ماند، جمهوری اسلامی را به این سمت کشاند که برای کنترل و مدیریت اشرف غنی روابط خود را با طالبان افزایش دهد. چراکه اشرف غنی در سایه همراهی و همسویی کامل با سیاست‌های آمریکا نوعی گسست و گسل دیپلماتیک را با تهران شکل داده بود، اما در ادامه تحولات به سمتی پیش رفت که طالبان در سایه قدرت‌گیری مجدد توانست دولت اشرف غنی را به طور کامل کنار بگذارد و موجبات سقوط جمهوری در این کشور را فراهم کند. اینجاست که تأکیدات قبلی من بیشتر خود را نشان می‌دهد که طالبان عنصر غیر قابل انکار و غیرقابل حذف در صحنه تحولات افغانستان است. اتفاقا با توجه به آنکه طالبان بازیگر غیر قابل حذف در تحولات افغانستان است آمریکایی‌ها را هم به این سمت کشاند که نهایتا تا ۳۱ آگوست ۲۰۲۱ خاک افغانستان را ترک کند. این نشان می‌دهد که طالبان تا چه اندازه توانسته است بر تحولات افغانستان سیطره پیدا کند. اما همان‌گونه که پیش‌تر گفتم به دلیل عملکرد فاجعه‌بار و غیر قابل دفاعی که در این یک سال از حکومت طالبان شاهد بوده‌ایم تاکنون هیچ کشوری حاضر به پذیرش رسمی حکومت طالبان نشده است. در عین حال تاکنون هیچ کشوری از آمریکا، روسیه و چین گرفته تا اتحادیه اروپا، پاکستان، ایران و... از نادیده‌گرفتن طالبان هم نگفته‌اند. چراکه نمی‌توان این مسئله را پی گرفت. لذا یک رفتار میانه بین پذیرش و عدم پذیرش حکومت طالبان توسط همسایگان و کل جامعه جهانی در دستور کار قرار گرفته است.

◆ این رفتار میانه طی یک سالی که از بازگشت طالبان به قدرت می‌گذرد ادامه داشته است، اما تا چه زمانی تداوم پیدا می‌کند؟

این مهم به شکل جدی و مستقیمی مربوط به رفتار، تصمیمات و عملکرد خود حکومت طالبان است. در این راستا اگر طالبان رویه‌ای را که طی یک سال گذشته پی گرفته کماکان در پیش بگیرد به تدریج زمینه حذف خود را شکل خواهد داد.

◆ چرا؟

چون ابتدا به ساکن جامعه جهانی نمی‌تواند رفتارهای طالبان را بپذیرد و انفعال خود را در برابر محرومیت زنان از تحصیل، محدودیت کار رسانه‌ها و مطبوعات، نبود حزب و دولت فراگیر ادامه دهد. مهم‌تر از آن جامعه افغانستان است که مانند حکومت اول طالبان دیگر دست به سکوت نخواهد زد. علاوه بر اقشار مختلف جامعه مدنی افغانستان از جوانان تحصیل‌کرده تا بانوان و رسانه‌ها باید به نقش برخی احزاب و قومیت‌ها برای تشدید نبرد مسلحانه با طالبان هم اشاره کرد. بنابراین اگرچه طالبان یک واقعیت غیر قابل انکار در جامعه افغانستان است، اما تداوم سیاست‌های یک سال گذشته توسط طالبان به تدریج سبب کاهش جایگاه، نفوذ و نهایتا حذف آنها خواهد شد؛ سناریویی که برای دولت اشرف غنی هم روی داد.

◆ در تحلیلی که ارائه داشتید نوعی تضاد و تناقض دیده می‌شود؛ نهایتا طالبان در عرصه تحولات سیاسی افغانستان حذف‌شدنی است یا نه؟

آنچه گفتم به این معناست که طالبان به دست بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، حتی ایالات متحده قابل حذف نیست، اما خود طالبان می‌تواند زمینه حذف خود را فراهم کند.

ادامه از صفحه اول

ریاحی در سال‌هایی که دور نیست

حدود دو ماه بعد از همین رأی محرومیت اعضای هیئت‌منصفه بود که با توقیف ناگهانی بیش از ۴۰ نشریه، فضای کاری مطبوعات به‌شدت محدود و تنگ شد. در چنین شرایطی، موضوع دفاع از روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول و فعالان سیاسی به موضوعی مهم و جدی بدل شد؛ کاری که در رسانه‌ها بر عهده نویسندگان بود و در دادگاه‌ها باید وکلا انجام می‌دادند. اما کم‌شمار بودند وکلایی که وارد چنین عرصه‌ای شدند یا خواستند وارد شوند. در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران یا در روابط دوستانه کار دشواری بود یافتن وکیل برای تدارک و تمهید شرایط دفاع و کمک به آنهایی که کارشان به محکمه کشیده شده بود. واقعا کم بودند وکلایی که بخواهند وارد چنین پرونده‌هایی شوند. غلامعلی ریاحی، امیرحسین آبادی، صالح نیکبخت، نعمت احمدی، فتاح سلطانی، هوشنگ پوربابایی، محمد شریف، علیزاده‌طباطبایی، فریده غیرت و اندکی دیگر که نامشان از قلم شاید افتاده باشد، وکلایی بودند که به رغم سختی‌ها و بعضا مخاطراتی که گریبان بعضی از آنها را هم گرفت، حرفه خود را در خدمت تحولات اجتماعی در عرصه عمومی گذاشتند و در تلاش‌های روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی برای پیشبرد آزادی بیان و آزادی‌های عمومی از طریق دفاع از آنها و انتشار مطالب مرتبط سهیم شدند. عمر و سلامت الباقی دراز باد، اما حیف که ریاحی راه دیار باقی گرفت و از میان ما رفت و از این شمار اندک کم شد. ریاحی در وکالت موکلان روزنامه‌نگار یا سیاسی‌اش، حرفه‌ای و مسئولانه رفتار می‌کرد. در مقابل قاضی که اغلب سعید مرتضوی بود یا مرحوم قاضی مقدس (در پرونده اکبر گنجی و پرونده موسوم به کنفرانس برلین)، با اعتمادبه‌نفس و ادب و مستدل حرفش را می‌زد. به‌عنوان یک وکیل در مصاحبه‌هایش در مورد پرونده‌ای که در اختیارش بود، سیاسی برخورد نمی‌کرد. اگرچه این نوع پرونده‌ها به‌صورت طبیعی موجب شهرت وکیل می‌شوند، ولی او نیز همچون دیگر وکلای این گروه کم‌شمار از کاری که برای موکلان مطبوعاتی و سیاسی خود می‌کرد، دستمایه‌ای برای کسب‌وکار خود نمی‌ساخت. سال‌ها پیش که از صعوبت و دشواری‌های این نوع پرونده‌ها با هم گپ می‌زدیم، متواضعانه گفت برای خودم هم خوب است.

خیلی‌ها آن سال‌های نیمه دوم دهه ۷۰ و نیمه اول دهه ۸۰ را به یاد ندارند. هنوز هم ندیده‌ام تاریخچه دقیق و کاملی از اوضاع آن روزها نوشته و منتشر شده باشد. آنچه هم که هست، پراکنده است و نامنسجم. سختی‌هایش چنان بود که باز هم با دشواری‌های امروز قابل قیاس نیست و وصفش بماند برای وقتی دیگر. آنها که می‌خواهند بیشتر بدانند و به کسانی که دوست دارند بیشتر از صعوبت اوضاع مطبوعات بدانند، توصیه می‌کنم کتاب ارزشمند چندجلدی «اسناد و پرونده‌های مطبوعاتی ایران» تألیف خانم عذرا فراهانی را بخوانند تا گوشه‌ای از آنچه را که در آن سال‌ها گذشته است، بیابند. ریاحی در قامت وکیلی که مسئولیت اجتماعی خود را دریافت و کناره نگرفت، در شمار معدود وکلایی است که نام و کارشان در فرایند تلاش برای آزادی مطبوعات و آزادی بیان و دادرسی عادلانه نباید فراموش شود. این روزها وکلای جوان‌تری از نسل جدید هستند که همچون ریاحی و آن چند نفر دیگر، مسئولیت اجتماعی خود را دریافته و پی می‌گیرند. اما افسوس که ایشان نیز اندک‌اند و همچون نسل قبل شاید به تعداد انگشتان دو دست هم نرسد.

نام و یاد غلامعلی ریاحی بزرگ و محترم باد که جایش خالی است.

نان، مسکن و بنزین!

نمونه دیگر قیمت بنزین است. این کالا هم نقشی بسیار حیاتی در کار و زندگی مردم دارد و دولت بر عدم افزایش قیمت آن در سال جاری تاکید کرده است. اما به گواهی آمار و ارقام و گفته‌های مسئولان، تولید و مصرف بنزین به نقطه سر به سر رسیده (در روزهایی از تابستان مصرف بنزین از ۱۰۵ میلیون لیتر هم گذر کرد) و چیزی تا نیاز به واردات آن نمانده است. در این چارچوب نه‌فقط صادرات روزی شش‌ونیم میلیون لیتر (طبق تبصره ۱۴ بودجه امسال) امکان‌پذیر نبوده و نیست، بلکه نیاز به وارداتی خواهد بود که بر اساس محاسبات و با توجه به قیمت‌های جهانی و قیمت فوب خلیج فارس حدود ۷۵ هزار میلیارد تومان منابع نیاز خواهد داشت (روزانه ۱۰ میلیون لیتر و هر لیتر ۷۰ سنت).

نمونه دیگر موضوع مسکن است و وعده دولت برای ایجاد یک میلیون مسکن در سال؛ امری که موکول به حمایت نظام بانکی است. همان نظام بانکی که دچار ناترازی شدید است و برآورده‌کردن تقاضای دولت آن را با بحران‌های بزرگ‌تری مواجه می‌کند. وزیر راه اخیرا از بانک‌های کشور به‌خاطر عدم اعطای تسهیلات مسکن به‌شدت گلایه کرده و حتی تهدید به تشکیل پرونده قضائی برای بانک‌های متخلف کرد (رسانه‌ها، ۵/۱۸)؛ چراکه طبق قانون جهش تولید مسکن مقرر بوده که در سال گذشته حدود ۳۶۰ هزار میلیارد تومان (امسال حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان) تسهیلات برای انجام این طرح اختصاص یابد، اما عملکرد نظام بانکی حدود صفر بوده است.

دلیل ناتوانی بانک‌ها نیز مشخص است؛ از یک سو با محدودیت مصارف و تکالیف دولت در اعطای تسهیلات کم‌بهره مواجه‌اند و از سوی دیگر با سقف‌گذاری سود سپرده‌ها در حد ۱۸ درصد. این در حالی است که به اعتقاد تمام کارشناسان، هزینه تمام‌شده تأمین پول در بازار به مراتب بالاتر از ۱۸ درصد است. البته آسیب‌های شدید اقتصادی این شیوه تأمین مالی برای پروژه مسکن‌سازی دولتی از یادمان نرفته و پرونده «مسکن مهر» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رکود تورمی سال‌های ۹۱ و ۹۲ هنوز مفتوح است.

در مجموع آنکه برخلاف خوش‌بینی وزیر اقتصاد، اقتصاد ایران به‌سختی نفس می‌کشد و حیاتی روزمره را سپری می‌کند و دولت‌ها با توزیع انواع یارانه‌ها (انرژی، تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت و...) و اجرای انواع طرح‌های نمایشی و آمار و ارقام غیرموثق، اصرار بر سلامت نشان‌دادن این اقتصاد دارند. اگر به‌راستی صحت و سلامت پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد را خواهانیم، به فکر حل بحران‌های آن باشیم و در درجه اول با برداشتن فشار تحریم‌ها و تنش‌های بین‌المللی، افق مناسب‌تری را پیش‌روی آن بگشاییم و هم‌زمان اصلاحات واقعی اقتصادی را در چارچوب علم، دانش و تجربه بشری بر مدار آزادی و رقابت آغاز کنیم.

سلام ما را به آقای رئیسی برسانید

اگر مثل بعضی از مسئولان معتقد نیستید که مردم خوشحال و راضی هستند و با کمال میل از ادامه این مسیر استقبال می‌کنند. اگر واقعا فکر نمی‌کنید که همه در آرامش هستند و بی‌دغدغه زندگی‌شان را می‌کنند و از شما بابت تغییرات مثبتی که به وجود آمده، سپاسگزارند. جناب وزیر ارشاد! اگر آقای رئیسی را دیدید، به ایشان بگویید ما منتظریم. ما را هم به خاطر این سماجت و کلنجار ببخشید. بگذارید به حساب حسن استفاده ما از فرصت «روز خبرنگار» و همه ارج و قربی که برایمان قائل شدید. ممنون که سعه صدر دارید و بابت پرسشگری از ما نمی‌رنجید و معتقدید کار ما پرسیدن و پیگیری و وظیفه مسئولان پاسخ‌گویی است. آقای اسماعیلی! جناب رئیسی را دیدید، بگویید دل مطبوعاتی‌ها برایشان تنگ شده است. از پارسال و روز ثبت‌نام در وزارت کشور و برنامه‌های انتخاباتی‌شان تا امروز خیلی گذشته. شاید خواستند ما را ببینند. شاید خواستند خبر خوشی به ما بدهند. شاید حرفی داشته باشند که از طرف ایشان به مردم بگوییم. به آقای رئیسی بگویید بین همه برنامه‌های فشرده‌شان، زمانی هم برای خبرنگارها بگذارند. شاید توجه بیشتری داشته باشند. شاید اصلا یادشان رفته باشد.

آگهی مفقودی مبایعه‌نامه

بدینوسیله اعلام میگردد مبایعه نامه شماره ۷/۱۵/۱/۲۰۳۳ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۰۷ مربوط به شش دانگ آپارتمان در بلوک u طبقه ۱۵ شماره ۱ متعلق به **آقای ابراهیم شاهرخیان دهکردی** واقع در برجهای مسکونی افق اکباتان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز **خودروپژوپارس TU5** رنگ سفید مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۳۰ _ ۳۵۷ و ۳۵ و شماره موتور 139B0259964 و شماره شاسی NAAN11FEXMH752073 به نام **صغری محمدی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی **موتورسیکلت آپاچی** رنگ سفید مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۱۱۳ _ ۱۲۳۹۴ و شماره موتور 0E6GA2045705 و شماره تنه NE8***180B8906383 به نام **محسن خنجری هند چوب** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب ساناز گلشنی** فرزند علی اکبر به شماره شناسنامه ۲۳۵۸۵ و کد ملی ۰۰۶۳۶۴۴۵۸۴ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته عمران سدو شبکه صادره از دانشگاه موسسه آموزش عالی نجف آباد مفقود گردیده و فاقد اعتبار قانونی است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه موسسه آموزش عالی نجف آباد به نشانی: اصفهان، نجف آباد، خیابان امام خمینی (ره)، نرسیده به کارخانه ریسندگی و بافندگی، موسسه آموزش عالی نجف آباد تلفن: ۰۳۱۴۲۴۴۳۷۷۴، ۰۹۱۳۳۳۱۲۴۸۱، ۰۳۱۴۲۴۵۵۴۴۷ ارسال نماید.

برگ سبز **خودروپژوپارس TU5** رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۹۱ - ۵۲۱ ج ۱۹ و شماره موتور 164B0299838 و شماره شاسی NAAN11FE2NH875867 به نام **رسول ابراهیم‌پور** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی **خودروتویوتاکمری** رنگ سفید الماسی روغنی مدل ۲۰۰۷ به شماره پلاک ایران ۴۴ - ۴۷۶ ق ۵۹ و شماره موتور 2AZA435915 و شماره شاسی 6T1BE42K87X440663 به نام **عباس شاهنده** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت **خودروپژوپارس XU7** رنگ سفید روغنی مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۴۰ - ۶۶۴ ط ۱۱ و شماره موتور 124K1601274 و شماره شاسی NAAN01CE9MK074460 به نام **عفت السادات حسینی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز **خودروپژوi۲۰۷** رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۶۸ _ ۴۲۸ ص ۶۶ و شماره موتور 178B0083894 شماره شاسی NAAR03FE9NJ268700 به نام **حمیدرضا اذعانی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده
انجمن آکوستیک و ارتعاشات ایران ثبت شده به شماره ۲۵۶۵۸

بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن آکوستیک و ارتعاشات ایران دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۶ ساعت ۱۵ در تهران، خیابان سید جمال الدین اسد آبادی، بعد از خیابان ابن سینا، خیابان ۳۵ ، کوچه میرمحمد صادقی، پلاک ۵ شورای انجمن های علمی تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه : ۱ - استماع گزارش هیات مدیره و بازرس انجمن ۲ - بررسی وتصویب ترازنامه و صورت سود و زیان عملکرد سال منتهی به ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ ۳ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع می باشد.

هیات مدیره انجمن